

بررسی ریشه‌های فرهنگی ارتجاع

پس از انقلاب اسلامی، با استناد به قرآن کریم*

□ عباس محمدیان^۱

□ ریحانه صادقی^۲

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، چنان‌که از عنوان برمی‌آید، بررسی و بازنمایی ریشه‌های فرهنگی ارتجاع، پس از پیروزی جامعه اسلامی از منظر قرآن کریم است. ارتجاع به معنای بازگشت به افکار، عقاید و اندیشه‌های کهن گذشته است. این خصلت، پس از هر انقلابی در میان افراد یا گروه‌های جامعه که موافق نظام فرسوده پیشین و مخالف پیشرفت و ترقی هستند، رخ می‌دهد. ارتجاع، از مهم‌ترین و خطرناک‌ترین مؤلفه‌هایی است که جامعه اسلامی را تهدید می‌کند و زمان شمول و مکان شمول است. از این روی، در صورت غفلت انقلابیون از علل و عوامل ایجاد آن، زمینه فروپاشی نظام نوین جامعه فراهم خواهد شد.

قرآن کریم به عنوان کامل‌ترین نسخه کاربردی حیات مادی و معنوی بشریت، به این موضوع نگاه ویژه‌ای دارد که در این مقاله، بدان خواهیم پرداخت، اگرچه کلمه «ارتجاع» در قرآن کریم به کار نرفته است، اما مفاهیم قرآنی بدان اشاره دارد. از منظر قرآن کریم، هرگونه جهت‌گیری علیه توحید و بازگشت به طاغوت،

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۲۱.

۱. دانشیار دانشگاه حکیم سبزواری (نویسنده مسئول) (mohammadian@hsu.ac.ir)

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری (roohafza90@yahoo.com)

نوعی واپس‌گرایی و ارتجاع خواننده و از آن نهی می‌شود. علل و عوامل گوناگونی، منجر به واپس‌گرایی می‌شود، از جمله رفاه‌زدگی، اشرافیت، سطحی‌نگری و عدم بصیرت. در این مقاله، که به روش کتابخانه‌ای و توصیفی - تحلیلی انجام گرفته، با استناد به آیات قرآن کریم، موانعی را که باعث ارتداد فکری و ارتجاع انقلابیون می‌شود، بازنموده شده است.

واژگان کلیدی: انقلاب، تقوا، ارتجاع، آسیب‌شناسی انقلاب، شاخصه‌های پیشرفت و ترقی.

مقدمه

قرآن کریم، تجلّی کلام الهی است، کتاب منزل از عالم قدس به عالم ملک، تا انسان را که مظهر جامعیت حق و خلیفه اوست، به مرتبه ﴿عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ﴾ عروج دهد. قرآن، کتاب هدایت و انسان‌سازی و واسطه ارتباط مخلوق با خالق است. ژرف‌نگری در آیات نورانی کلام وحی، ما را بدین نکته لطیف سوق می‌دهد که برای دستیابی به حیات طیبه لازم است تا با اراده و خواست خود، در راه حرکت و تغییر و تحوّل گام برداریم. این تحولات و دگرگونی‌ها که به منظور تغییر اساسی صورت می‌پذیرد، مفهوم «انقلاب» را پدید می‌آورد و به فرد و افرادی که در این امر نقش داشته‌اند، «انقلابی» می‌گویند.

بنا بر آموزه‌های قرآنی، به تلاش‌های دسته‌جمعی برای برانداختن بنای ستم و استکبار، به مثابه ریشه‌های مفسد اجتماعی و سیاسی توجّه شده و به نوعی این حرکت‌های عدالت‌خواهانه و ضدّ فساد، در طول اراده الهی مبنی بر حاکمیت حق و عدل و خیر در جهان، ارزیابی شده است. به عبارت دیگر، آن‌جا که دست خداوند از آستین مردمی حق‌جو و مبارز، در راه حذف موانع هدایت بیرون آید و دامنه این اصلاح‌طلبی عمیق و فسادزدایی، به همه آحاد جامعه مظلوم و تحت ستم گسترش یابد و همگان در مسیر یک حرکت مردمی فراگیر و در راستای حذف موانع فساد اجتماعی و سیاسی و اقتصادی قرار گیرند و با الهام از تعالیم آسمانی و در پیروی از رهبری الهی، در جهت حاکمیت ارزش‌های انسانی و دین خدا به مبارزه‌ای قهرآمیز دست زنند، این حرکت مردمی، «انقلاب» نام می‌گیرد و چون در راستای اصلاح مسیر غلط جامعه و

تخریب ساختارهای غیرعادلانه آن و برقراری و بنای ساختارهای جدید و الهی صورت می‌گیرد، مورد عنایت و پشتیبانی خدا نیز قرار دارد (هزاوه‌ای، ۱۳۸۹، ۲۰۴).

اگرچه در آیات قرآن، واژه «انقلاب» نیامده است، اما از مفاهیم آیات گوناگون درمی‌یابیم که قرآن به نقش اراده انسانی در ایجاد دگرگونی‌ها و تحولات فردی و اجتماعی او تأکید دارد و خواستار آن است که برای تعیین سرنوشت مطلوب در زندگی اقدام کند: «در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند» (رعد/۱۱). در صورت عدم توجه به این نکته، خود مردم، مسؤول ستم‌ها و گزندهای ناشی از آن هستند (عنکبوت/۴۰). این کتاب هدایت و موعظه، با ذکر نمونه‌هایی از سرگذشت اقوام پیشین، از انسان‌ها می‌خواهد با عبرت از احوال گذشتگان (حشر/۲) به تفکر و اندیشه در جهان هستی پردازند. قرآن کریم با پیام‌های گوناگون (فصلت/۳۰؛ احقاف/۱۳؛ انعام/۸۹؛ قصص/۵۹؛ محمد/۳۵ و...) موجب برانگیختگی انسان غافل می‌شود و حالت طلب و تشنگی را برای ایجاد یک انقلاب، در جان و جهان او ایجاد می‌کند: «بگو، من فقط به شما یک اندرز می‌دهم که دوتا دوتا و به تنهایی، برای خدا به پا خیزید» (سبا/۴۶ و همچنین، ر. ک: روم/۴۱). قرآن کریم، همان‌گونه که در ایجاد یک انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی با بشر همراهی می‌کند، برنامه جامع نیز پس از آن پیش روی او می‌گذارد تا بتواند با آگاهی از چالش‌ها و آسیب‌ها و شناخت ارزش‌های به‌دست آمده، در مسیر صحیح پیش رود.

«ارتجاع»، بزرگ‌ترین خطری است که پس از پیروزی جامعه اسلامی، آن را تهدید می‌کند. «ارتجاع»، در لغت به معنای «بازگشت» (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه) است. در اصطلاح سیاسی، ارتجاع یا واپس‌گرایی (reactionism) به معنای مخالفت با هر نوع پیشرفت و تحوّل در روابط و بنیادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی موجود می‌باشد و یا خواستار «خنثی شدن» برخی تحولات و بازگشت به گذشته است. ارتجاع، ضدّ دموکراسی است و با هر نوع انتقال قدرت و ثروت از طبقات حاکم به طبقات محکوم، دشمنی شدید دارد (آشوری، ۱۳۵۱، ۱۴). از سوی دیگر، به «کسی که در برابر دگرگونی و پیشرفت اجتماعی بایستد و برای حفظ یا احیای مجدّد نظام کهنه و فرسوده و یا افکار عقب‌مانده کوشش کند» مرتجع (reactionary) می‌گویند (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۷۹،

۴۸۸). این واژه، «صفت حزب‌ها و جنبش‌های سیاسی که از نهادها و ارزش‌های اجتماعی و سیاسی پیشین دفاع می‌کنند و با هرگونه نوآوری که نظام کهن را به خطر اندازد، مخالف هستند» نیز می‌باشد (همان). در صورتی که مرتجعین قادر نباشند مانع حرکت آزادی‌خواهانه ملّتی شوند که بر اثر نهضت و انقلابی توانسته از یوق سلطه استعمار بیرون آید، موقتاً با ملّت همراه می‌شوند و تظاهر به اصلاح‌طلبی می‌کنند تا فرصتی به دست آورند و اوضاع را به نفع خویش تغییر دهند (علی‌حسینی، ۱۹/۱۳۲۵).

در قرآن کریم، واژه «ارتجاع» و «مرتجع» به کار نرفته‌است، اما از مفاهیم آیات معلوم می‌شود که ملاک ترقّی یا ارتجاعی بودن انسان، جهت‌گیری توحیدی او در ظاهر و باطن است. عنادورزی با حقّ و پناه بردن به افکار و عقاید جهالت‌آمیز پیشینیان (لقمان/۲۱)؛ (زخرف/۲۲-۲۳)؛ (اعراف/۲۸)؛ (یونس/۷۸)؛ (هود/۸۷)، بازگشت از مسیر صحیح اسلام، ایستادگی و لجاجت در برابر دعوت انبیا علیهم‌السلام (ملک/۲۸)؛ (مؤمنون/۷۵) و اتهام دروغ نسبت به ایشان (سبأ/۴۳)، (احقاف/۱۱)؛ (فرقان/۴)، اسطوره‌خواندن مفاهیم و حیانی (مؤمنون/۸۳)؛ (نمل/۶۸) و... از جمله اشارات پرشمار قرآن کریم به موضوع واپس‌گرایی است. بر این پایه، در فرهنگ قرآن کریم، هرگونه عقب‌گرد از روش توحیدی، بازگشت به جاهلیّت و ارتجاع محسوب می‌شود. «بازگشت به عقب و گذشته» را در مفاهیم قرآنی به صورت «ارتداد علی‌اعقاب» (آل‌عمران/۱۴۹)؛ (انعام/۷۱)، «انقلاب علی‌اعقاب» (آل‌عمران/۱۴۴) و «نکص علی‌اعقاب» (مؤمنون/۶۶) می‌توان بازجست. ارتجاع، مفهومی تاریخی و تمام شده نیست، بلکه زمان‌شمول و مکان‌شمول است و در هر جامعه‌ای، در صورت جدایی از توحید و بازگشت به طاغوت و ظلمت درون و برون، امکان رسوخ دارد (فلاح‌زاده، ۱۳۹۰، ۹)؛ (اعتمادی، ۱۳۹۱، ۲). با توجّه به این مطالب، رویکرد این پژوهش، آسیب‌شناسی انقلاب از منظر قرآن کریم در باب علل ایجاد ارتجاع است.

۱. بیان مسأله

پس از جریان انقلاب اسلامی و رهایی از بند گران‌گردن‌کشان، موانع و خطرات تازه‌ای پیش روی جامعه قرار خواهد گرفت که در صورت عدم توجّه به این مهم،

امکان بازگشت به عقب و خطر انحلال و شکست وجود دارد. این مقاله، در پی پاسخ به این مسأله است تا علل و ریشه‌های فرهنگی ارتجاع و یا سقوط انقلابی گران را بیابد و به راهکارهای روشن‌گرایی از طریق ژرف‌نگری و تأمل در آیات قرآن کریم دست یابد.

۲. پیشینه تحقیق

اگرچه، آثار گسترده‌ای در زمینه آسیب‌های پس از انقلاب اسلامی نگاشته شده است، اما تا آن‌جا که بررسی شد، کار مدون و مستقلی که بر مبنای قرآن کریم، به تبیین و تشریح موانع و علل فرهنگی سقوط و ارتجاع جامعه اسلامی پس از جریان انقلاب بپردازد، انجام نگرفته است. در برخی پژوهش‌ها نیز، به صورت جسسته و گریخته، نشانه‌ای از موضوع دیده می‌شود. در زمینه تطبیق شاخصه‌های انقلاب با فرهنگ قرآنی، می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره داشت:

فصل دوم کتاب «انقلاب و ارزش‌ها» (ذوعلم، ۱۳۷۹) به بیان شاخص‌های انقلاب که معرف ارزش‌هاست، با استناد به منابع اسلامی، از جمله قرآن اختصاص داده شده است. در مقاله «اصلاح و انقلاب در آموزه‌های قرآن» (هزاوه‌ای، ۱۳۸۹، ۱۹۵-۲۰۸) نویسنده، انقلاب را به عنوان یکی از روش‌های ایجاد اصلاح و دوری از فساد نگر بسته است و در این مورد، با تکیه بر آیات نورانی قرآن، به اهمیت انقلاب اشاره نموده است. از سوی دیگر، توجه به آسیب‌شناسی انقلاب نیز، دور از نگاه محققان نبوده است. در مقاله «رسالت انقلاب اسلامی و غفلت‌های انقلابیون مسلمان» (احمدی، ۱۳۸۶، ۶۳-۷۴) بیشتر هدف نگارندگان، به بیان غفلت‌های ناشی از مباحث معرفتی اختصاص دارد و بی‌آن‌که جداگانه به آیات قرآن استناد شود، رهیافتی کلی از موضوع به دست داده‌اند. در پژوهشی دیگر با عنوان «مبانی قرآنی، نرمش قهرمانانه در سیاست خارجی» (یوسفیان، مؤدب، ۱۳۹۴، ۸۵-۱۲۰) پژوهشگران، مواضع قرآنی را در قبال سیاست خارجی با دشمنان دنبال کرده‌اند و در آن، به نقش نیروهای انقلابی در حفظ انقلاب با استناد به دستورالعمل‌های قرآن نیز اشاره نموده‌اند.

همچنین، پرداختن به موضوع ارتجاع از دیدگاه قرآن کریم نیز مورد پژوهش محققان بوده است که باید به منابع زیر اشاره کرد:

«ارتجاع در قرآن» (کاویانی، کتابخانه دیجیتال تبیان)؛ پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد با موضوعات «ارتجاع از دیدگاه قرآن و سنت» (فلاح‌زاده، ۱۳۹۰) و «ارتجاع و تجدّد از دیدگاه قرآن و حدیث» (اعتمادی، ۱۳۹۱). عابدی در مقاله «گام‌های ارتجاع از رحلت نبوی تا قیام حسینی» نیز، تنها به بیان و بررسی علل ارتجاع پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ تا قیام امام حسین ﷺ پرداخته است و علل نفوذ گام به گام امویان به ارکان حکومت اسلامی را ذکر می‌کند (عابدی، ۱۳۸۱، ۱۷۳-۱۸۱) که می‌تواند در جهت شناخت مبانی ارتجاع در جامعه امروز، تا حدودی راهگشا باشد.

۳. ضرورت و اهمیت تحقیق

از آن‌جا که ارکان اساسی نظام شامل امت، مکتب و رهبری است، عدم توجه به یکی از این ارکان، انقلاب را در معرض تهدید و خطر واقعی ارتجاع قرار خواهد داد. بدیهی است که هم‌زمان با رویش‌های نوین ناشی از انقلاب، ریزش‌هایی هم روی خواهد داد. این مسأله، چه بسا اثر مخربی بر روان جامعه خواهد گذاشت و موجب اختلال در ادامه روند حرکت انقلاب خواهد شد. از این روی، ضرورت دارد تا انقلابیون برای حفظ روحیه حماسی و دینی خود و با تاسی و عمل به آموزه‌های قرآن، از خطر انحراف و ارتجاع مصون بمانند. هدف ما از این پژوهش، آن است که با تعمق و بازخوانی کلام الهی، ریشه‌های فرهنگی کژراهی و انحراف شناخته شود، تا با آسیب‌شناسی فرهنگی از این منظر، بتوان جامعه را در نیل به اهداف عالی انقلاب و صدور آن در عرصه جهانی به پیش برد.

الف. علل و عوامل پیدایش ارتجاع در جامعه اسلامی پس از انقلاب

هر چند در وهله اول، سامان بخشیدن به امور بیرونی و مشهود در یک نظام نوین، دور از اهمیت نیست، اما بصیرت نیروهای انقلاب در ادراک آسیب‌های معنوی، موجب روند تسریع حرکت انقلاب اسلامی است. از این روی، با توجه به موضوع این مقاله، ابتدا به واکاوی ریشه‌های فرهنگی تزلزل و ارتجاع جامعه با تأکید بر آیات قرآن کریم می‌پردازیم و سپس، راه‌هایی از این سرگردانی را با سیری در کلام الهی باز می‌جوئیم.

در تعریف انقلاب اسلامی باید گفت «حرکت امت مسلمان، در جهت تغییر نظام غیر اسلامی پیشین و جایگزین نمودن نظام جامع و کامل اسلامی به جای آن؛ همچنین، تلاش برای اجرای مقررات، قوانین و برنامه‌های اسلامی در تمام شؤون زندگی خویش، به عنوان انقلاب اسلامی خوانده می‌شود» (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۶، ۲۴). از آن‌جا که سه رکن اساسی انقلاب، مردم، رهبر و مکتبی پویا و انقلابی است، بنابراین عدم توجه به یکی از این ارکان، انقلاب را در معرض تهدید و خطر بازگشت تدریجی به گذشته دچار خواهد کرد. نکته‌ای که باید در آسیب‌شناسی هر انقلاب مد نظر قرار داد، خطر واپس‌گرایی و ارتجاع است. هر نوع درج‌زدن و بی‌توجهی به واقعیت‌های مدرن روز، موجب خواهد شد که ایدئولوژی انقلاب اسلامی، حالتی متصلب و ارتجاعی به خود بگیرد و از زمان عقب بماند. بنابراین، مکتب در عین پویایی و رشد، با توجه به شرایط علمی و تکنولوژی، باید پاسخ‌گوی مسایل روز و پدیده‌های جدید دنیای معاصر باشد تا از اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فاصله نگیرد (ر.ک: محمدی، ۱۳۸۱، ۲۸۳).

مقام معظم رهبری، «ارتجاع» را مهم‌ترین آفت همه انقلاب‌ها می‌دانند. به تعبیر ایشان، «ارتجاع» به معنای سست‌شدن، توقف و بازگشت به اوضاع قبلی است (حسینی خامنه‌ای، ۹۶/۱۱/۲۹).^۱ به فرموده ایشان، ارتجاع «یعنی این حرکتی که انقلاب شروع کرده بود و ملت داشتند در این مسیر با نیروی انقلابی و با سرعت حرکت می‌کردند، در یک جاهایی سست بشوند، بعد متوقف بشوند، بعد برگردند؛ این ارتجاع است؛ ارتجاع یعنی برگشت». «براین اساس، ایشان «حرکت به سمت اشرافی‌گری»، «دل‌سپردن به طبقات مرفه به جای توجه به مستضعفان و قشرهای ضعیف» و «تکیه و اعتماد به خارجی‌ها به جای تکیه بر مردم» را از نمونه‌های حرکت ارتجاعی بر می‌شمرند. این‌گونه سخنان ریشه در آیات و معارف قرآنی دارد.

در پژوهش حاضر، نویسندگان به بررسی این علل از منظر آیات قرآن کریم می‌پردازند و سپس به راهکارها و دستورالعمل کاربردی که قرآن کریم پیش روی انقلابیون قرار می‌دهد، اشاره می‌کنند.

۱. بیانات در این بخش بعد از سال ۸۶، برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری به نشانی: www.leader.ir می‌باشد. این سخنرانی مربوط به دیدار با مردم آذربایجان شرقی است.

۱. رفاه‌زدگی و اشرافیت‌گرایی

ریشه همه مشکلات و نابسامانی‌های جامعه را، باید در بی‌تقوایی واکاویید. برآیند این نابسامانی، پیدایش رذایل اخلاقی هم‌چون طغیان در برابر حق، خودخواهی و خودبینی، غفلت از احوال جامعه و رفاه‌زدگی است. اگر انسان در بهره‌گیری از غرایز خویش از حد اعتدال بگذرد، خودکام و سرکش خواهد شد. اهل فسق و بندگان لذت، با غفلت از تقوای الهی به قهقرای عصیان و طغیان و دنیاپرستی روی می‌آورند و جایگاه خذلان برای خود فراهم می‌کنند: «اما هر که طغیان کرد و زندگی پست دنیا را برگزید، پس جایگاه او همان آتش است» (نازعات، ۳۷-۳۹). به تعبیر مقام معظم رهبری «ما اگر به سمت اشرافی‌گری حرکت کردیم، این رفتن به سمت ارتجاع است؛ اگر به جای توجه به طبقه ضعیف، دل‌سپرده طبقات مرفه و زیاده‌خواه در کشور شدیم، این حرکت به سمت ارتجاع است» (حسینی خامنه‌ای، ۹۶/۱۱/۲۹)؛ آن هنگام که رنگ و سنگ تجمل‌گرایی بیشتر شود، به همان نسبت غفلت از احوال زبردستان و ضعیفان بیشتر خواهد شد. رفاه‌زدگی زمانی روی می‌دهد که به مصرف‌گرایی افراطی و زرق و برق زندگی دنیوی توجه شود. هر نوع تجمل‌گرایی، به خصوص در نحوه معیشت دولت‌مردان و رجل سیاسی و مذهبی، به‌ویژه با توجه به نقش انکارناپذیر علما و روحانیون در انقلاب اسلامی، اعم از اخذ امتیازات ویژه برای خود و بستگان، فساد اداری، نفوذ عوامل فرصت‌طلب، از جمله آسیب‌هایی است که می‌تواند موجبات پوسیدگی نظام سیاسی را فراهم کند و انقلاب را دچار سرنوشتی کند که بعد از رحلت پیامبر ﷺ به تدریج دچار آن شد (ر.ک: محمدی، ۱۳۸۱، ۲۸۴). امام خمینی رحمته‌الله علیه، خروج از زین طلبگی و ساده‌زیستی، توجه به مادیات را، خصوصاً برای روحانیت، عامل تزلزل اسلام می‌دانستند و به نفوذ تشریفات در حوزه‌ها هشدار می‌دادند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ۱۲/۱۸-۱۴).

برخی از مبارزین که برای دستیابی به اهداف عالی خود، پرچم پیروزی انقلاب را برافراشته بودند، پس از جریان انقلاب به مصرف‌زدگی مبتلا می‌شوند. گویی می‌خواهند با زراندوزی، میراث انقلاب را به نام خود کنند. چه بسا کسانی که خود در شمار و کنار انقلابیون و از یاوران رهبر انقلاب بودند، اما پس از انقلاب، در برابر آن

موضع‌گیری کردند. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید:

ارجاع وقتی اتفاق می‌افتد، معنایش این است که همان آدم‌های انقلابی سابق سر کارند، اما خط را عوض کرده‌اند، راه را عوض کرده‌اند؛ کأنه انقلاب شده بود برای اینکه آنها بروند و ما بیاییم سر کار! برای این [کار] که انقلاب نشد؛ انقلاب یعنی دگرگونی، انقلاب یعنی تغییر مسیر، انقلاب یعنی یک هدف‌های والائی را در نظر گرفتن و به سوی آنها حرکت کردن؛ اگر از این هدف‌ها فراموش کردیم، دیگر انقلاب نیست (حسینی خامنه‌ای، ۹۶/۱۱/۲۹).

مرتجعین، ضد انقلاب‌های بالقوه‌ای هستند که تحت تأثیر جوسازی‌ها و تبلیغات دشمن درونی و بیرونی قرار می‌گیرند و می‌خواهند با انحصارطلبی، زر و زور را به دست گیرند. در قرآن کریم نیز آمده است که بنی‌اسرائیل در اثر فراوانی نعمت و آسایش پس از انقلاب حضرت موسی علیه السلام علیه استبداد فرعون، به نوعی رفاه‌زده شدند و در نتیجه به عصیان الهی پرداختند و از حد تجاوز کردند و دچار عذاب شدند (بقره/۶۱). توصیه قرآن کریم به قیام لله (سبأ/۴۶) برای آن است تا همواره خلوص و صداقت عمل رزمندگان برای کسب رضوان الهی محقق گردد، لذا قرآن کریم توصیه می‌کند نه خود رفاه‌زده شوید (قصص/۷۶) و نه حسرت رفاه‌زدگان دنیا دوست را بخورید (طه/۱۳۱ و همچنین ر. ک: حجر/۸۸)؛ بلکه با عدالت اجتماعی و دادگستری (حدید/۲۵) زمینه را برای مبارزه با فقر و اختلاف طبقاتی و جلوگیری از استفاده سودجویان از بیت‌المال فراهم سازید (نحل/۹۰). همچنان که در صدر اسلام نیز، افرادی چون طلحه و زبیر با آن که در جنگ‌ها دوشادوش رهبری حرکت کردند، اما پس از آن، به تجمل‌گرایی روی آوردند و برای خود اموال و دارایی و کاخ‌های بزرگ فراهم کردند و در برابر نظام اسلامی ایستادند و از آرمان‌های انقلاب روی گرداندند، در حالی که شخصیت‌هایی چون سلمان و ابوذر، دو یار راستین پیامبر صلی الله علیه و آله و انقلاب، قهرمان زهد و تجمل‌گریزی بودند و همواره به وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله وفادار ماندند که فرموده بود: کدام یک از شما را این افتخار هست که از دگرگونی‌ها اثرپذیر نباشد؟ و مرا چنان دیدار خواهد کرد که با امروز تفاوتی در او دیده نشود؟ ابوذر غفاری، این سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله را صراحتاً و با سربلندی به یاران زراندوز خود یادآوری می‌کرد (ر. ک: معادینخواه، ۱۳۸۲،

۶۶۳). انقلابی ماندن نیز، ساده‌زیستی ابوذر را می‌خواهد و تجمل‌گریزی سلمان را.

۲. ساده‌اندیشی و سطحی‌نگری

ساده‌اندیشی و ساده‌لوحی، ناشی از عدم بصیرت، بی‌تقوایی و همچنین غفلت از جریان حاکم بر جامعه است. درک عمیق و دقیق واقعیات کشور و تحلیل آن، می‌تواند مانع سطحی‌نگری گردد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در جای دیگر می‌فرماید:

نظام اسلامی در برابر اردوگاه شرق و غرب ایستاده؛ اما در همان روزها یک نظریه این بود که ما به نحوی با استکبار کنار بیاییم. کسانی که این نظریه را بیان می‌کردند آدم‌های بدی نبودند، بلکه ساده‌اندیش بودند و می‌گفتند کنار بیاییم تا ضرر آن‌ها را دفع کنیم؛ اما پاسخ این سؤال را نمی‌دانند که این کنار آمدن، کوتاه آمدن و عقب نشینی کردن سنگر به سنگر، تا کجا باید از ارزش‌های خود صرف نظر نماییم تا آمریکا بگوید دیگر با شما کاری نداریم؟ شاید بعضی از آن‌ها حتی فکر نمی‌کردند که استکبار به این حد هم قانع نیست... (حسینی خامنه‌ای، ۸۲/۷/۲۲).

از مصادیق سطحی‌نگری، می‌توان به ترحم و دل‌سوزی انقلابیون و گاه حتی خواص جامعه نسبت به سخنان مزورانه دشمنان اشاره کرد. آیات آغازین و پایانی سوره شریفه ممتحنه، دوستی و موذت مؤمنین با کفار را به شدت نهی می‌کند:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خودتان را به دوستی برنگیرید [به طوری] که با آن‌ها اظهار دوستی کنید و حال آن‌ها که قطعاً به آن حقیقت که برای شما آمده کافرند [و] پیامبر [خدا] و شما را [از مگه] بیرون می‌کنند که [چرا] به خدا و پروردگارتان ایمان آورده‌اید، اگر برای جهاد در راه من و طلب خشنودی من بیرون آمده‌اید [شما] پنهانی با آنان رابطه دوستی برقرار می‌کنید، در حالی که من به آن‌چه پنهان داشتید و آنچه آشکار نمودید داناتریم و هر کس از شما چنین کند، قطعاً از راه درست منحرف گردیده است (ممتحنه/۱ و ۱۳).

علامه طباطبایی ضمن تبیین و تفسیر این آیات می‌نویسد:

به هر حال، دوستی با کفار و ایجاد رابطه با آنان از بغض آنان نسبت به شما نمی‌کاهد. بنابراین، توهمی که به ذهن کسی ممکن است برسد، دفع می‌کند و آن توهم این است که خیال می‌کند دوستی با مشرکین به خاطر حفظ ارحام و اولاد اشکال ندارد. آیه پاسخ می‌دهد اگر این تشبّهات دارای فایده‌ای بود، عیبی نداشت، اما اگر

حفظ ارحام به قیمت عذاب دوزخ برایتان تمام شود، قطعاً و عقلاً نباید در صدد حفظ آنان برآید (طباطبایی، ۱۳۶۶، ۴۶۷/۱۹).

قرآن کریم، در جهت آگاهی‌بخشی به مؤمنین به ذکر موارد و نمونه‌های ساده اندیشی و هرزباوری اشاره می‌کند: «همان‌گونه که خودشان کافر شده‌اند، آرزو دارند [که شما نیز] کافر شوید تا با هم برابر باشید؛ پس زنه‌ار، از میان ایشان برای خود دوستانی اختیار مکنید تا آن‌که در راه خدا هجرت کنند، پس اگر روی پرتافتند، هر کجا آنان را یافتید به اسارت بگیرید و بکشیدشان و از ایشان یار و یآوری برای خود مگیرید» (نساء/۸۹). این آیه درباره منافقانی است که بعضی از مسلمانان ساده‌دل به حمایت از آن‌ها برخاسته، از آنان شفاعت می‌کردند و قرآن بیگانگی آن‌ها را از اسلام بیان داشت و در این آیه می‌فرماید تاریکی درون آن‌ها به قدری است که نه تنها خودشان کافرند، بلکه دوست می‌دارند که شما هم همانند آنان کافر شوید و مساوی یکدیگر گردید (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۷۶/۴). دل‌سوزی برای دشمنان به دلیل سخنان به ظاهر ترحم‌آمیزشان، نتیجه عدم بصیرت و هوشیاری است که بسیار ویرانگر و تهدیدکننده است، زیرا نوعی توطئه اسلام‌زدایی و شیپخون دشمن به نظام مقدس اسلامی است. اظهار دوستی با دشمنان خدا جایز نیست. اگر انقلاب‌گرایان، جهاد و انقلاب را برای رضای خدا و در راه خدا انجام داده‌اند، باید مراقب باشند که رابطه دوستانه و پنهانی با کفار برقرار نسازند، چرا که دشمنان از این طریق، همواره نسبت به حق و شریعت کفر می‌ورزند و به مؤمنین آزار و ستم روا می‌دارند.

البته، موضع قرآن کریم در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی نیز بسیار روشن است، زیرا قرآن با ایجاد روابط بین دولت‌ها و حکومت‌هایی که با دین خدا محاربه ندارند، یا حکومت‌هایی که حامی و پشتیبان دین ستیزان نباشند و مسلمانان را از سرزمین خود بیرون نرانند، مخالفت ندارد: «[اما] خدا شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید، زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد. فقط خدا شما را از دوستی با کسانی باز می‌دارد که در [کار] دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه‌هایتان بیرون رانده و در بیرون‌راندتان با یکدیگر هم‌پشتی کرده‌اند و هر کس آنان را به دوستی

گیرد، آنان همان ستمگرانند» (ممتحنه/۸-۹). مسأله بنیادین مورد تأکید قرآن، حفظ عزت اسلام و مسلمین و مصالح کشور بر مبنای یک تعامل سازنده است. نکته مهمی که رهبر معظم انقلاب در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ (مورخ ۱۳/۸/۱۳۸۲) بدان تأکید فرموده‌اند. در این سند آمده است که ایران، کشوری دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت خواهد بود. ایشان این سه اصل را، یک مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین‌المللی معرفی می‌کنند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۴/۱۸) که برگرفته از متن اسلام مقدس و سیره معصومین علیهم‌السلام است. از مصادیق آن، می‌توان به صلح امام حسن علیه‌السلام با معاویه بر اساس حکمت و مصلحت اسلام (ر.ک: آل‌یاسین، ۱۳۸۶، سراسر متن) و یا سکوت مولای متقیان، امام علی علیه‌السلام، در ماجرای پس از رحلت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اشاره کرد. امام علی علیه‌السلام، دلایل این نرمش قهرمانانه را در خطبه سوم و هفتاد و دوم تبیین می‌فرمایند.

به هر حال، از این آیات یک اصل کلی و اساسی استفاده می‌شود که برای هر زمان ثابت است و آن، چگونگی رابطه مسلمانان با غیر مسلمانان است. هر گونه پیوند با هر کشوری که موضع خصمانه نسبت به اسلام و مسلمین داشته باشد مطرود است. بایسته‌های نرمش قهرمانانه با دشمن را در صورتی می‌توان مجاز شمرد که از شرایطی خاص برخوردار باشد. یوسفیان و مؤدب‌پور، در پژوهش خود این موارد را برشمرده‌اند. از آن جمله: فعالیت‌های هنرمندانه و خستگی‌ناپذیر و حرکت‌های صحیح و منطقی در عرصه دیپلماسی و در روابط بین‌الملل است که به تلاشی فعال و دیپلماتیک تعبیر می‌شود و در قرآن کریم نیز از آن سخن به میان آمده است (انفال/۶۱)؛ حفظ موضع قوی، متعزضانه و تهاجمی در برابر دشمن که بر پایه دیدگاه قرآنی (انبیا/۱۸؛ انفال/۶۰) حفظ این چنین موضعی در نرمش و انعطاف با دشمن، برای ایجاد رعب و خوف در دل دشمن است تا به جهت آن نتواند دست به توطئه و خیانت بزند؛ شناسایی آماج حمله دشمن همچون مبارزه با اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از طریق تضعیف و تخریب باورهای دینی و ترویج اسلام آمریکایی، مبارزه با مردم‌سالاری دینی، تضعیف و تخریب ارکان نظام اسلامی، ولایت فقیه، تفکیک دین از سیاست و... (ر.ک. یوسفیان و مؤدب‌پور، ۱۳۹۴، ۹۷-۱۰۱). بر این پایه، اگر کشوری تمایل به برقراری ارتباط با کشور اسلامی دارد

- بدون آن که موجب نفوذ و تسلط آنان بر مسلمین و خدشه‌دار کردن عزت آنان باشد - از نظر قرآن جایز است (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ۲۴/۲۵).

بنابراین، انقلابیون باید با رفتاری اندیشمندانه و سنجیده، لحظه‌ای از دسیسه‌های دشمنان غافل نباشند، زیرا به فرموده قرآن، بیگانگان هیچ‌گاه دست از مسلمین بر نخواهند داشت و در صورت تسلط، خواهان سرکوبی عزت و سربلندی و اقتدار مسلمانانند و این طبیعت استکبار است، هر چند در این امر راه به جایی نخواهند برد: «می‌گویند اگر به مدینه برگردیم، قطعاً آن که عزتمندتر است، آن زبون‌تر را از آن جا بیرون خواهد کرد، و [لی] عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است، لیکن این دورویان نمی‌دانند» (منافقون/۸).

به فرموده رهبر فرزانه انقلاب، «اگر به جای تکیه به مردم به خارجی‌ها تکیه کردیم، امیدمان را به بیگانه‌ها بستیم، این حرکت در سمت ارتجاع است... ارتجاع چیز خطرناکی است» (حسینی خامنه‌ای، ۲۹/۱۱/۹۶). از این روی، توصیه می‌کنند که مردم و نخبگان با حساسیت، مراقب اعمال مدیران باشند.

در صدر اسلام نیز، با آن که مسلمانان و مجاهدان در عواطف دینی در سطح بالایی بودند و از فداکاری در راه آرمان بعثت دریغ نداشتند، اما در ژرف‌اندیشی دینی جز شماری اندک از آنان، چندان برجستگی نداشتند. سکوت مسلمانان در ماجرای سقیفه پس از رحلت پیامبر ﷺ، به روشنی گویای این واقعیت است که چگونه ساده‌اندیشی مسلمانان موجب شد تا رهنمود رسول خدا ﷺ را در غدیر خم و فرصت‌های دیگر نادیده بگیرند و تماشاگر خانه‌نشینی علی بن ابی‌طالب شوند (معادیخواه، ۱۳۸۲، ۱۰۵).

بنابراین، در یک نگاه سطحی ممکن است بسیاری از شعارها و موضع‌گیری‌های ظاهری، اصیل و منطبق با آموزه‌های دینی و ارزش‌های انقلابی قلمداد شود، ولی در ارزیابی دقیق مشخص خواهد شد که از اصالت لازم برخوردار نیستند و صلاحیت و اهلیت لازم را ندارند (ر.ک: احمدی، ۱۳۸۶، ۷۲).

۳. افشاگری اسرار به بیگانگان

از علل و عوامل بازدارنده دیگر پیشرفت جامعه که برآیند ساده‌اندیشی نیز هست،

اعتماد به نیروهای غیر خودی و به عبارتی محرم دانستن بیگانگان بر اسرار خود است. قرآن کریم مؤمنین را از این عمل برحذر می‌دارد و به صراحت می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةَ مَن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُوا مَا عَنْتُمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِن أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفَىٰ صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تُعْقِلُونَ﴾ (آل عمران/۱۱۸). این آیه ضمن تشبیه لطفی، به مؤمنان هشدار می‌دهد که غیر از هم‌مسلمانان خود، دوست و هم‌رازی انتخاب نکنند و بیگانگان را از اسرار و رازهای درونی خود باخبر نسازند، چرا که کفار شایستگی دوستی با مؤمنان را ندارند و پیوسته در رساندن شر و فساد نسبت به مسلمانان کوتاهی نمی‌کنند. آنان، همواره در سخنان و رفتار خود مراقبت می‌کنند و با احتیاط و دقت حرف می‌زنند که مسلمانان از مکنونات ضمیرشان آگاه نشوند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ۹۱/۳). از این روی، در صورت دست یافتن به مؤمنین، به سختی از آنان انتقام می‌گیرند: «اگر بر شما دست یابند، دشمن شما باشند و بر شما به بدی دست و زبان بکشایند و آرزو دارند که کافر شوید» (ممتحنه/۲).

۴. هرزگویی

از آسیب‌های خطرآفرین دیگری که جامعه اسلامی را به ارتجاع سوق می‌دهد، بی‌تقوایی در گفتار انسان‌ها، به‌خصوص نیروهای طراز اول جامعه و کارگزاران نظام است. همین مسأله، عامل القای بی‌اعتمادی مردم به حکومت خواهد شد. دشمنان قسم‌خورده انقلاب، با تبلیغات پیوسته خود و به‌ویژه با ابزار فرهنگی و رسانه‌های گوناگون در تلاشند تا به نحوی انقلاب اسلامی را به انحراف بکشانند و با تحریف و دروغ‌پردازی، سخنان باطل خویش را حق جلوه دهند تا آن‌گونه که خود می‌پسندند، پیش رود (ر.ک: نحل/۶۲ و ۱۱۶). لازم است قبل از اشاعه هرگونه اخباری در سطح جامعه، ابتدا درباره آن تحقیق شود و به فرموده قرآن، به رهبر جامعه و اولیای امور ارجاع داده شود تا حقیقت استنباط گردد: «و چون خبری [حاکمی] از ایمنی یا وحشت به آنان برسد، انتشارش دهند و اگر آن را به پیامبر و اولیای امر خود ارجاع کنند، قطعاً از میان آنان کسانی‌اند که [می‌توانند درست و نادرست] آن را دریابند» (نساء/۸۳). در دستورالعمل عارفان و

سالکان هم، بر این نکته سفارش شده که انسان، سخن اصحاب غرض را بدون تبیین نپذیرد، چنان که حق می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر فاسقی برایتان خبری آورد نیک واری کنید، مبدا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و [بعد] از آن چه کرده‌اید پشیمان شوید» (حجرات/۶). با توجه به همین مطلب، معلوم می‌شود که گاه رهایی عنان زبان، تأثیرات مخرب سیاسی هم بر جامعه خواهد گذاشت و فرصت طلبان را به هیاهوگری فرامی‌خواند.

۵. شبهه افکنی

با ژرف نگری در آیات قرآن، درمی‌یابیم که همیشه، دسیسه‌پروران دنیادوست و نادانان بی‌بصیرت با شبهه‌پراکنی، سعی در ملتهب‌ساختن فضای جامعه و به خطا انداختن افکار عمومی داشته‌اند. گوش سپردن به شبهات بی‌پایه و اساس دشمنان، به‌خصوص از جانب خواص، علاوه بر جاری کردن آب به جوی دشمن، خسارات جبران‌ناپذیری به پیکره اجتماع و نظام اسلامی وارد می‌کند. یکی از این شبهات، طرح مسأله حاکمیت ولی فقیه و مقایسه آن با نظام دیکتاتوری است. این سخنان در طول تاریخ به وسیله معاندان انقلاب به اشکال گوناگون تکرار شده است. مصادیق این شبهه‌افکنی را در آیات قرآن، در داستان انقلاب موسی علیه السلام علیه بیدادگری فرعون می‌توان جستجو کرد. هنگامی که حضرت موسی علیه السلام برای انجام رسالت با فرعون مناظره می‌کند، فرعون و کارگزاران او، انگیزه مبارزه ایشان را مکر و حيله (اعراف/۱۲۳) برای بیرون راندن آنان از سرزمینشان (اعراف/۱۱۰؛ طه/۶۳، ۵۷) و به‌دست آوردن قدرت و بزرگی بر روی زمین (یونس/۷۸) قلمداد کردند، تا بدین روش اذهان عمومی را از حقیقت امر منحرف کنند. در واقع، مخالفان نظام اسلامی که موسی علیه السلام در صدد تشکیل آن بود، می‌خواستند این شبهه را بیفکنند که پیروی از رهبر جامعه، نظام را به دیکتاتوری و زورمداری خواهد کشاند و مردم باز هم پس از انقلاب، مجبور به پذیرش سلطه‌گری هستند و در نتیجه، این انقلاب برای آن‌ها خسارت دارد (اعراف/۹۰)، در صورتی که گوش‌سپاری به فرمان رهبران متخلّق به اخلاق اسلامی، با خودکامگی و استبداد متعارض است.

حدّ و مرز گوش به فرمان رهبران بودن در مکتب اسلام و سخنان اولیای الهی، به خوبی تبیین و تأکید شده است. در سخن امام علی علیه السلام، اطاعت و پیروی مخلوق در جایی که نافرمانی خدا در آن باشد، مذموم دانسته شده است (سیدرضی، ۱۳۵۱، ۱۱۶۷، قصار ۱۵۶). هرگاه رهبری، فرمانی دهد که با اجرای آن، بستری برای گناه فراهم شود، بر مسلمان تکلیف است که در برابر آن فرمان بایستند. فلسفه جهاد اسلامی، پایان دادن به سلطه‌پذیری و سلطه‌گری است. انقلاب اسلامی، زمینه‌ساز رشد و تعالی مادی و معنوی مردم است، چنان‌که هدف بعثت انبیا، مبارزه با زورمداری و خودسری بوده است.

۶. فتنه‌انگیزی

آن‌چه در ظهور و پیدایش و رشد فتنه در جامعه اسلامی، مؤثر و کارساز می‌افتد، غفلت نیروهای انقلابی از مسایل مختلف کشور و عدم حضور در صحنه اجتماع است. سکوت عالمان در برابر انحرافات، به دلیل ترس از تضعیف نظام و عوامل دیگر اجتماعی، تشدید اختلافات فکری به تحریک دشمنان خارجی و داخلی (مهدی‌پور، ۱۳۷۷، ۵)، بستر ظهور فتنه را سامان می‌بخشد. فتنه، افسونگری است بوقلمون‌نما که هر بار به شکلی عیان می‌گردد و فتنه‌پذیران را سرگردان و متحیر می‌کند.

گاه، فتنه عقیدتی است و گاه اجتماعی. فتنه در عقیده، زمانی صورت می‌گیرد که دشمن با بهره‌بردن از جهل مردم و باورهای بی‌پایه و اساس در دین، بدعت ایجاد کند و یا آن را تحریف نماید، هم‌چنان‌که سامری از غیبت موسی علیه السلام، با استفاده از جهالت مردم و رسوبات دوران بت‌پرستی و خرافه‌گرایی آنان، سوء استفاده کرد و مردم ساده‌اندیش که تازه انقلاب کرده بودند، به کوشش‌ها و پندهای هارون، جانشین و برادر موسی علیه السلام، بی‌اعتنایی کردند و دوباره به عصر جهالت خود بازگشتند. این مسأله، موجب شد آنان دوباره در رنج و عذاب قرار گیرند و عواقب ارتجاع و بت‌پرستی مجدد را متحمل شوند (بقره/۵۴).

همین جهل و سطحی‌نگری، مؤمنین صدر اسلام را ساده‌لوحانه تحت تأثیر تبلیغات دشمن قرار داد که تصوّر کردند هر آن با کشته‌شدن رهبر یا از میان برداشته‌شدن نفوذ

اجتماعی او، باید به عقب بازگشت کنند. «و محمد جز فرستاده‌ای که پیش از او [هم] پیامبرانی [آمده و] گذشتند نیست؛ آیا اگر او بمیرد یا کشته شود از عقیده خود برمی‌گردید؟» (آل عمران/۱۴۴). در صورتی که اگر انقلاب و ایمان، در قلب و جان کسی نهاده گردد (حجرات/۱۴)، دیگر چه جای گریز است؟

پیروی از آیات متشابه قرآن از سوی افراد منحرف و بیمار دل نیز، سبب افتادن در دامن فتنه و آشوب خواهد شد و باعث خلل در عقیده و ایمان فرد می‌شود: «اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است، برای فتنه‌جویی و طلب تأویل آن [به دل‌خواه خود] از متشابه آن پیروی می‌کنند...» (آل عمران/۷). موضع‌گیری بجا و به‌هنگام انقلابیون و دوری از افراط و تفریط و هرگونه شتاب‌زدگی، در خنثی‌سازی، شناخت و رسوایی عوامل فتنه بسیار مهم است. بنا به فرموده مولا علی علیه السلام در خطبه ۹۳ نهج البلاغه «انَّ الْفِتْنََ إِذَا أَقْبَلَتْ شَبَّهَتْ وَإِذَا أَدْبَرَتْ بَبَّهَتْ» (سید رضی، ۱۳۵۱، ۱۳۷)؛ بدان معنا که هرگاه فتنه‌ها (به مردم) رو آورد، (باطل به حق و فساد به صلاح) اشتباه می‌شود. مقام معظم رهبری، فتنه را به گرد و غباری تعبیر می‌کنند که انسان‌ها در درون آن، چشم‌پسته به حرکاتی دست می‌زنند که خودشان نمی‌خواهند و نمی‌دانند (مرکز صهبا، ۱۳۹۱، ۱۰۹). «فتنه آن‌جایی است که انسان بصیرت ندارد. نمی‌فهمد چه شد، گیج است، گم است، هر جا هر چه حرکت می‌کند، سر جای اولش است. این را می‌گویند فتنه. گرد و غبار است. آینده ندارد» (مرکز صهبا، ۶۱/۱۲/۱۹). به فرموده قرآن کریم «خود می‌پندارند که کار خوب انجام می‌دهند» (کهف/۱۰۴). در این هنگامه، انقلابیون با خویشتن‌داری، خردمندان و سنجیده و به‌دور از ساده‌اندیشی، واکنشی چنان که شایسته است از خود نشان می‌دهند؛ چراکه می‌دانند اگر فتنه میدان‌دار شود، جاهلان در امواج فتنه جولان می‌دهند و شتاب‌زده بر پیکر اسلام ضربه می‌زنند. آری؛ بی‌گمان شتاب‌زدگی فرصت اندیشیدن را از آدمی می‌رباید.

از دیگر عوامل فتنه‌پروری، می‌توان به پذیرش ولایت کافران، ایجاد سازش با کفار و رابطه با آنان اشاره کرد. در این صورت، مسلمانان به سخنان ولی امر و رهبر خویش کم‌توجه می‌شوند و از حمایت یکدیگر سر باز می‌زنند و همین، موجب فساد در زمین می‌شود. پس، روی به سوی امام زمان خویش برگرداندن و باز بر سر پیمان و منتظر

فرمان بودن، بیعتی دوباره است و حیاتی حقیقی. در آیه ۲۴ سوره انفال به هدف اساسی اسلام در حیات بخشی به انسان در تمام زمینه‌ها، اشاره شده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چون خدا و پیامبر شما را به چیزی فراخواندند که به شما حیات می‌بخشد، آنان را اجابت کنید». این تعبیر را، کوتاه‌ترین و جامع‌ترین تعابیر درباره اسلام و آیین حق دانسته‌اند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ۱۶۲/۷). «و از فتنه‌ای که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد بترسید...» (انفال/۲۵). در آیه مورد بحث، «فتنه» به معنای بلاها و مصائب اجتماعی است که دامن همه را می‌گیرد. هنگامی که جامعه در ادای رسالت خود کوتاهی کند و بر اثر آن هرج و مرج و قانون‌شکنی شود، نیکان و بدان در آن آتش می‌سوزند، لذا خطاری است برای جامعه که نسبت به یکدیگر بی‌تفاوت نباشند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ۱۶۶/۷). بنا بر فرموده قرآن کریم، فتنه‌گران ممکن است در صف مبارزان و جهادگران هم به قصد جاسوسی و فساد حاضر شوند (توبه/۴۸-۴۷). از این روی، فتنه را از کشتار بدتر می‌داند (بقره/۱۹۱) و دستور به مبارزه جدی با فتنه‌گران می‌دهد: «با آنان بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین مخصوص خدا شود» (بقره/۱۹۳).

ب. شاخصه‌های معنوی تقویت جامعه اسلامی در تقابل با واپس‌گرایی

چنان‌که گفتیم، ارتجاع مولود عواملی است که پس از انقلاب، در صحنه سیاسی اجتماعی یک ملت پدید می‌آید. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که قرآن کریم، راه‌هایی و صیانت جامعه دینی و اسلامی از آسیب‌های پرمخاطره آن پس از جریان پیروزی را، چگونه تعریف و تبیین نموده است؟ بخش پایانی مقاله، به پاسخ این پرسش‌ها اختصاص دارد.

۱. تقوای محوری

تقوا از «وقایه» به معنی حفظ شیء است از آنچه به او ضرر و زیان برساند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ۵۴۵). تکرار و کاربرد زیاد این واژه و مشتقات آن در آیات قرآن، نشان از اهمیت موضوع دارد. از نگاه قرآن، تقوا بهترین لباس و بهترین زاد و توشه است

(اعراف/۲۶؛ بقره/۱۹۷). تقوا، عامل تشخیص حق از باطل و دوری از فتنه است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از خدا پروا دارید، برای شما [نیروی] تشخیص [حق از باطل] قرار می‌دهد» (انفال/۲۹) و همچنین، سختی‌ها را آسان و راه خروج از همه دشواری‌ها را هموار می‌سازد (طلاق/۲ و ۴).

امام علی علیه السلام، برای انسان پرهیزکار سه نشانه برشمرده‌اند: پاکیزه گذاشتن عمل، کوتاه گرفتن آرزو و غنیمت شمردن فرصت (ر.ک: آمدی، ۱۳۳۷، ۵۸۵/۲). تقوا، دارای جنبه‌های متعدد و گوناگونی است؛ تقوای سیاسی، تقوای اخلاقی، تقوای مالی، تقوای زبانی. امام در خطبه معروف «هُمام» نیز، بعضی از صفات متقین و جنبه‌های تقوا را برشمرده‌اند. مهم‌ترین اصل در زندگی سیاست‌مداری که می‌خواهد با صداقت زندگی کند، تقوای سیاسی است. همین تقوای سیاسی بود که موجب شد مولا علی علیه السلام، از پذیرش شروط سقیفه امتناع ورزد، برخلاف دیگرانی که با ادعای انقلابی بودن و پیروی از سیره پیامبر صلی الله علیه و آله، حاضر به پذیرش تمام شرایط (که یکی از این موارد، عمل به روش شیخین بود) شدند. تقوای سیاسی، مانع از دروغ‌گویی و تهمت‌زدن به دیگران می‌شود؛ یک سیاست‌مدار متقی ضعف‌ها و کاستی‌های خود را می‌پذیرد و آن را با توجیه کردن به گردن دیگران نمی‌اندازد. سیاست‌مدار بی‌تقوا، برای حفظ جاه خود ممکن است تن به هر پستی و دنائتی بدهد، حتی زیر علم ناهلان سینه بزند، مانند عمرو عاص که حیثیت خویش را فدای معاویه کرد و دینش را برای دنیای او فروخت (ر.ک: عبدخدایی، ۱۳۷۹، ۱۶۷-۱۸۹) و حضرت (در نامه ۳۹) او را نکوهش فرمود.

۲. بصیرت‌افزایی

اهل بصیرت در فرهنگ قرآن، همان بیداردلانی هستند که با جوشن تقوا خود را از وسوسه شیاطین مصون می‌دارند: «در حقیقت، کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه‌ای از جانب شیطان بدیشان رسد [خدا را] به یاد آورند و بناگاه بینا شوند» (اعراف/۲۰۱).

یکی از عوامل بصیرت‌افزایی مردم و مصونیت از خطر ارتجاع در جامعه اسلامی، پیروی از رهبر جامعه و دل‌سپاری به سخنان الهی اوست. فاش باید گفت تا زمانی که

مسیر و شالوده انقلاب، بر مبنای اسلام و راه روشن انبیا و ائمه معصومین علیهم‌السلام است، خللی در بنیان آن ایجاد نخواهد شد. از این رو، بایسته است که بنا به توصیه قرآن کریم، مردم پیرو ولی امر زمان خود باشند (مائده/۵۵-۵۶) و هر گاه دچار اختلاف و نزاعی می‌شوند، به صاحبان امر رجوع کنند تا وحدت و یکپارچگی بین آحاد ملت همچنان حفظ شود (نساء/۵۹). این امر، موجب افزایش هشیاری و بصیرت ملت می‌شود. رهبر فرزانه انقلاب در توضیح دقیق بصیرت می‌فرماید:

بصیرت را در دو سطح می‌توانیم تعریف کنیم. یک سطح، سطح اصولی و لایه زیرین بصیرت است. انسان در انتخاب جهان بینی و فهم اساسی مفاهیم توحیدی، با نگاه توحیدی به جهان طبیعت، یک بصیرتی پیدا می‌کند... با نگاه توحیدی، این جهان یک مجموعه نظام مند است، یک مجموعه قانون مدار است... ما هم که جزئی از این طبیعت هستیم، وجودمان، پیدایشمان و زندگی مان هدف دار است؛ بی هدف به دنیا نیامدیم. این، لازمه نگاه توحیدی است... به جز این... در حوادث گوناگون هم ممکن است بصیرت و بی بصیرتی عارض انسان شود. انسان باید بصیرت پیدا کند... حوادث را درست نگاه کردن، درست سنجیدن، در آنها تدبیر کردن، در انسان بصیرت ایجاد می‌کند؛ یعنی بینایی ایجاد می‌کند و انسان چشمش به حقیقت باز می‌شود (حسینی خامنه‌ای، ۸۹/۸/۴).

۳. حفظ نظام اسلامی

یکی از رسالت‌های انسان در استمرار انقلاب اسلامی، آن است که برای زنده نگه داشتن آرمان‌های نظام و حفظ آن از گزندهای اهریمنان، خالصانه تلاش کند. البته، این کار بسی پرمشقت‌تر از انقلاب کردن است. امام خمینی رحمته‌الله، حفظ نظام را اوجب واجبات می‌دانست. مقام معظم رهبری در تأیید این سخن امام، در بیانات خود می‌فرماید: «امام، حراست و صیانت از جمهوری اسلامی را اوجب واجبات می‌دانست. اوجب واجبات، نه از اوجب واجبات. واجب‌ترین واجب‌ها، صیانت از جمهوری اسلامی است؛ چون صیانت اسلام - به معنای حقیقی کلمه - وابسته به صیانت از نظام سیاسی اسلام است» (حسینی خامنه‌ای، ۸۹/۳/۱۴). حفظ و حراست از نظام و دستاوردهای آن، زمانی تحقق پیدا می‌کند که انقلابیون، وظایف خویش را در قبال کشور خود بدانند و موانع بر سر راه را بشناسند.

۴. حفظ روحیه ستم‌ستیزی

حفظ تعادل و دوری از تعدی، بر خلاف آنچه برخی مکاتب قدرت طلب بر آندند، مورد نظر اسلام است. «عزت، یعنی مقامی منیع داشتن و در آن حد قدرت داشتن، که کسی نتواند انسان را خوار کند، در اسلام ممدوح است» (مطهری، ۱۳۷۸، ۲۶۵). بنابراین، تسلیم در برابر تهدید دشمن و خودباختگی و ضعف و سستی، کرامت و عزت مسلمین را خدشه‌دار می‌سازد. مولا علی علیه السلام در بیان صفات مؤمن، روح او را سخت‌تر و محکم‌تر از سنگ خارا می‌داند. این در حالی است که مؤمن در تعبّد و دین‌داری، خوارتر است (ر.ک: فیض‌الاسلام، ۱۳۵۱، ۱۲۴۴، قصار۳۲۵). با تعمّق در آیات قرآن، در می‌یابیم که مجاهدین مبارز جامعه، به دلیل ایمان به پروردگار خود، نباید در راه مبارزه برای حفظ آرمان‌ها و مقاومت در برابر بیگانگان، احساس ضعف و اندوه و سستی کنند: «و اگر مؤمنید، سستی نکنید و غمگین مشوید که شما برترید» (آل عمران/۱۳۹). آیه ۱۴۶ سوره شریفه آل عمران نیز، با ذکر شجاعت و استقامت و ایمان یاران وفادار پیامبر صلی الله علیه و آله، همه مسلمانان را به حفظ روحیه در مقابل تهاجمات بیگانگان فرامی‌خواند. تسلیم و سازش و سپردن میدان به دشمن، مورد نکوهش قرآن کریم است. حفظ روحیه مبارزه با ظلم و دفع آن و دوری از تسامح و تساهل در مقابل استبدادگران، از صفات پاسداران جامعه اسلامی است. یک مبارز انقلابی، همواره باید بصیر و هوشیار باشد و فریب فتنه‌ها و نیرنگ‌های شیاطین و اهریمنان را نخورد، تا مبدا از این طریق اختلاف و دشمنی را میان ملت پراکند و یا تمایل به سوی ظالمین و ستمکاران نماید که قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ﴾ (هود/۱۱۳)؛ بلکه به مصداق آیه ﴿أَشِدَّاءَ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ﴾ (فتح/۲۹)، نسبت به دشمنان سرسخت و هشیارانه عمل می‌کنند و در میان خود، به مهر و عطوفت رفتار می‌کنند و هر کجا دشمن نسبت به آنان تعرض و تعدی نمود، پاسخ دندان‌شکن و قاطع خواهند داد: «سزای کسانی که با [دوستانان] خدا و پیامبر او می‌جنگند و در زمین به فساد می‌کوشند، جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند، یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود، یا از آن سرزمین تبعید گردند» (مائده/۳۳). نرمش و تواضع در برابر متجاوزین به حقوق جامعه، مورد تأیید دین

اسلام نیست: «پس هر کس بر شما تعدی کرد، همان‌گونه که بر شما تعدی کرده، بر او تعدی کنید» (بقره/۱۹۴)؛ لذا فرمان الهی، ایستادگی و مبارزه است و او نیز، وعده نصرت خویش را به مؤمنین داده است: «به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت [جهاد] داده شده است، چرا که مورد ظلم قرار گرفته‌اند و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست» (حج/۳۹)، مگر آن که گذشته خود را جبران و اصلاح نمایند (نساء/۱۴۶؛ انعام/۵۴) و حقوق صاحبان حق را به آنان بازگردانند و رضایت آنان را به دست آورند، آن هم قبل از زمانی که به ناچار یا به دلیل اسارت و در مضیقه بودن چنین کنند (مائده/۳۴)؛ زیرا «محاربه و ستیز با بندگان خدا، محاربه با خداست» (ر.ک: مکارم شبرازی، ۱۳۸۶، ۴۵۸/۱۴). آنچه که از مصادیق حفظ روحیه می‌توان بدان اشاره داشت، عبارتند از: پایداری و استقامت در برابر حملات روحی و روانی، ضربات گوناگون که بر اثر تهدیدها، تحریم‌های اقتصادی، بر ملت انقلابی وارد می‌شود.

مقام معظم رهبری نیز حفظ روحیه انقلابیون را، در همه احوال مهم می‌داند: وقتی جامعه‌ای روحیه‌اش قوی شد، دشمن نمی‌تواند به آن زور بگوید. وقتی زورگویان دنیا بخواهند سوار فرد، جماعت و یا ملتی شوند، اولین اقدامشان این است که روحیه آن فرد یا ملت را بشکنند و احساس توانایی و ایستادگی‌اش را از بین ببرند. تا زمانی که احساس قدرت و توانایی و روحیه در یک ملت و جماعتی وجود دارد، هیچ کس نمی‌تواند بر آن فائق آید؛ نه دشمنان بیرونی و نه دشمنان درونی (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۸/۶).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، با رویکردی دینی و قرآنی، به مفهوم «ارتجاع و واپس‌گرایی» به عنوان خطرناک‌ترین بحران پس از پیروزی انقلاب اسلامی در جامعه اشاره کردیم و بازنمودیم که این تهدید، همواره پس از انقلاب‌های مردمی در جامعه شکل خواهد گرفت. نکته مهم، مسأله شناخت علل و عوامل خطر ارتجاع و راه‌کارهای مقابله با آن، از طریق بهره‌گیری از معارف سرشار قرآن کریم است.

اگر چه کلمه «ارتجاع» در قرآن کریم به کار نرفته است، اما مفهوم قرآنی «بازگشت به عقب و گذشته» را به صورت «ارتداد علی اعقاب» (آل عمران/۱۴۹)؛

(انعام/۷۱)، «انقلاب علی اعقاب» (آل عمران/۱۴۴) و «نکص علی اعقاب» (مؤمنون/۶۶) می‌توان بازجست، هم‌چنان که مضامین دیگر قرآن کریم نیز، بدان اشاره دارد. از منظر و حیاتی، هرگونه جهت‌گیری علیه توحید و بازگشت به جاهلیت گذشته و روی‌آوری به طاغوت، نوعی واپس‌گرایی و ارتجاع خوانده و از آن نهی می‌شود.

در بخش آغازین پژوهش، به شناخت علل و عوامل ایجاد شکست و گسست در نهاد جامعه، پس از پیروزی انقلاب اسلامی اشاره کردیم و به عوامل و نمودهای حرکت ارتجاعی، به عنوان خطرناک‌ترین عامل تهدید کننده ملت‌ها اشاره نمودیم و عللی هم‌چون غفلت از معارف قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام، عدم تزکیه نفس و تقوادمحوری، بی‌بصیرتی، ساده‌اندیشی، مسابقه در تجمل‌گرایی توسط برخی از کارگزاران نظام، نرمش در برابر بیگانگان و ترحم و دل‌سوزی نسبت به آنان و خودمحوری و مخالفت با رهبران دینی، نمونه‌هایی از ارتجاع برشمرده شد.

در بخش پایانی مقاله، به بیان برخی از شاخصه‌های ممتاز در تقویت و پیشبرد اهداف جامعه اسلامی در تقابل با واپس‌گرایی و ارتجاع اشاره کردیم و با عنایت به رهنمودهای قرآن کریم و تأمل در آیات، به این نتیجه رسیدیم که قرآن کریم بر آن است تا بشر به واسطه تحوّل روحی و معنوی، به انقلاب درونی بپردازد و به مدد تزکیه، زمام نفس اماره را به دست تقوا بسپارد و به مرتبه مطمئنگی و کمال حقیقی خویش نایل گردد؛ چرا که حکومت نفس اماره و وساوس آن بر کشور دل، می‌تواند بسی خطرناک‌تر از دشمن بیرونی باشد.

بنابراین، با شناخت موانع و آسیب‌ها و چالش‌های راه و با تمسک به برنامه‌های علمی و عملی قرآن کریم، می‌توان زمینه صدور و گسترش انقلاب اسلامی را در عرصه جهانی مهیا ساخت.

کتاب‌نامه

۱. قرآن مجید، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. احمدی، محمدرضا، (۱۳۸۶ش)، «رسالت انقلاب اسلامی و غفلت‌های انقلابیون مسلمان»، فصلنامه پیام، شماره ۸۷.
۳. اعتمادی، مرضیه، (۱۳۹۱)، ارتجاع و تجدّد از دیدگاه قرآن و حدیث، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: منصور پهلوان، دانشکده اصول دین، تهران.
۴. آشوری، داریوش، (۱۳۵۱)، دانشنامه سیاسی، چاپ پنجم، تهران، مروارید.
۵. آقابخش، علی و افشاری‌راد، مینو، (۱۳۷۹)، فرهنگ علوم سیاسی، چاپ اول، تهران، چاپار.
۶. آل‌یاسین، راضی، (۱۳۸۶ش)، صلح امام حسن علیه السلام پرشکوه‌ترین نرمش قهرمانانه تاریخ، ترجمه سیدعلی خامنه‌ای، چاپ ششم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. آمدی، عبدالواحد، (۱۳۳۷ش)، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه و نگارش: محمدعلی انصاری قمی، چاپ اول، تهران، بی‌نا.
۸. بیانات مقام معظم رهبری درباره بصیرت و استقامت، با ضمیمه فتنه (۱۳۹۱)، چاپ دهم، ویرایش دوم، تهران، تنظیم: مرکز صهباء، مؤسسه ایمان جهادی.
۹. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری به نشانی: www.leader.ir
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، دوره ۱۶-جلدی، چاپ دوم، تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۸۷ش)، المفردات فی غریب القرآن، تهران، آرایه.
۱۲. رهبر، محمدتقی، (۱۳۷۹)، «علی علیه السلام و مرتجعان زمان»، پاسدار اسلام، بهمن و اسفند، شماره ۲۳۱.
۱۳. سید رضی، نهج البلاغه، (۱۳۵۱ش)، به قلم فیض الاسلام، چاپ دوم، بی‌جا، افست.
۱۴. طباطبایی، سیدمحمد حسین، (۱۳۶۶ش)، تفسیر المیزان، چاپ دوم، تهران، نشر بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی (با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجا).
۱۵. عابدی، محمد، (۱۳۸۱)، «گام‌های ارتجاع از رحلت نبوی تا قیام حسینی»، فرهنگ کوثر، زمستان، شماره ۵۲.
۱۶. عبد خدایی، محمدهادی (۱۳۷۹ش)، «تقوای سیاسی در نهج البلاغه»، مشکوة، شماره ۶۸ و ۶۹.
۱۷. علی حسنی، ش، (۱۳۲۵)، «ارتجاع چیست؟ مرتجع کدام است؟» آیین اسلام، مهر، شماره ۱۳۰.
۱۸. فاضلی‌نیا، نفیسه، (۱۳۸۶)، ژئوپلیتیک شیعه و نگرانی غرب از انقلاب اسلامی، چاپ اول، قم، شیعه‌شناسی.
۱۹. فلاح‌زاده، میرزا محمد، (۱۳۹۰)، «ارتجاع از دیدگاه قرآن و سنت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، علوم قرآن و حدیث، استاد راهنما: علی محمد میرجلیلی، دانشکده الهیات میبد، یزد.
۲۰. کاویانی، حمید، «ارتجاع در قرآن»، کتابخانه دیجیتال تبیان: <https://library.tebyan.net>
۲۱. محمدی، منوچهر، (۱۳۸۱)، انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدها، چاپ سوم، قم، نشر معارف.
۲۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۸ش)، انسان کامل، چاپ بیستم، تهران، صدرا.
۲۳. معادیخواه، عبدالمجید، (۱۳۸۲ش)، تاریخ اسلام، تهران، ذره.

۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۵ش)، تفسیر نمونه (تفسیر و بررسی تازه‌ای درباره قرآن مجید...)، با همکاری جمعی از نویسندگان، چاپ سی و هفتم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. موسوی خمینی، صحیفه امام، (۱۳۷۹)، چاپ سوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲۶. مهدی‌پور، محمود، (۱۳۷۷)، «خطر ارتجاع از انقلاب اسلامی»، فرهنگ کوثر، آذر، شماره ۲۱.
۲۷. هزاوه‌ای، سیدمرتضی، (۱۳۸۰ش)، «اصلاح و انقلاب در آموزه‌های قرآنی»، فصلنامه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم، شماره ۱۵.
۲۸. یوسفیان، نعمت‌الله و مؤدب، سیدرضا، (۱۳۹۴ش)، «مبانی قرآنی نرمش قهرمانانه در سیاست خارجی»، پژوهش‌های اندیشه قرآنی، سال اول، شماره اول.

